مطالعات تاریخ اسلام
سال دوازدهم/ شمارهٔ ۴۶/ پاییز ۱۳۹۹

اندرزنامه‌نویسی در دورهٔ قاجار: علل تداوم، نمودهای تحول

زهرا علیزاده بیرجندی[۱]
الهام ملک‌زاده[۲]
سمیه پورسلطانی[۳]

چکیده: اندرزنامه‌نویسی در دوره قاجار به عنوان میراث ادب و اندیشهٔ سیاسی ایران، جایگاه مهمی در مطالعات تاریخی، علوم سیاسی و ادبیات دارد. یکی از ادوار مهم در بررسی پیشینه‌های اندرزنامه‌نویسی و سیر تطور آن در تاریخ ایران، دوره قاجاریه است. در میان اندرزنامه‌نویسان سیاسی عهد قاجار، دسته‌ای به سبک اندرزنامه‌های کهن، هم در ساحت اندیشگانی و هم در سطوح ادبی وفادار ماندند، اما دسته‌ای دیگر ضمن حفظ قالب صوری و الگوگیری از برخی مبانی نظری متون پیشین، بنا بر مقتضیات زمانه تغییراتی در آن پدید آورده‌اند. عملکرد دو طیف نویسندگان نشان دهندهٔ استمرار سنت اندرزنامه-نویسی در روزگار قاجاران است. نگارندگان مقاله حاضر با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی، کوشیده‌اند دلایل استمرار این سنت و همچنین نمودهای تحول این متون را مورد واکاوی قرار دهند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که عمده‌ترین دلایل استمرار اندرزنامه‌نویسی، مبانی خردورزانه و تجارب سیاسی ایرانیان در کشورداری، وجود الگوهای تمرکزگرایانه، جایگاه اندیشه ایرانشهری در تبیین مناسبات دین و دولت و ظرفیت قالب اندرزنامه‌نویسی برای طرح مفاهیم نو در اندرزنامه‌های سیاسی بوده است.

واژه‌های کلیدی: اندرزنامه‌های سیاسی، قاجاریه، تحول، تداوم

۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول) Zalizadehbirjandi@Birjand.ac.ir
۲ هیأت علمی و رییس گروه تاریخ فرهنگی، پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir
۳ کارشناس ارشد تاریخ s.poursoltani82@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۱ تاریخ تأیید: ۹۹/۰۵/۰۶

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

Study of the Thematic Development of Political Treatises in Qajar Era and Its Reasons

Zahra Alizadeh Birjandi[1]
Elham Malekzadeh[2]
Somayeh Poursoltani[3]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

Abstract: Political advice, as the legacy of Iranian political thought, has an important place in historical studies and political science. Qajar era is one of the most important periods for examining the evolution of writing in Iranian history. This is important due to multitude of such treatises and changes in their content. The purpose of this paper is to provide an overview of the themes in the Qajar Rules of Procedure, to explain their thematic developments and the factors affecting them. The findings of the present paper, while illustrating the thematic developments of such texts in Qajar epoch under the influence of some factors such as a rationalist approach, critical position and application of new political concepts, challenge the view of those who considered the Qajar era to be an era of decadent.

Keywords: Political treatises, Qajar, critique, king.

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

1 Associate Professor of History, Birjand University (Corresponding Author) Zalizadehbirjandi@Birjand.ac.ir
2 Faculty and Head of Cultural History Department, Research Institute of Historical Sciences, Institute for Humanities and Cultural Studies, elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir
3 Master of History, s.poursoltani82@gmail.com

مقدمه

اندرزنامهٔ سیاسی به متونی در عرصهٔ سیاست و تأملات سیاسی اطلاق می‌شود که با هدف توصیهٔ رفتار مناسب در زندگی و سلوک سیاسی صاحبان قدرت نگاشته شده باشد. در این متون علاوه بر دستورهای اخلاقی و ادبیات تعلیمی، آیین کشورداری و روش‌های حفظ اقتدار و مشروعیت قدرت سیاسی نیز مجال طرح پیدا کرده است. گسترهٔ موضوعی این آثار سبب اختلاف نظرهایی در خاستگاه اندرزنامه‌نویسی سیاسی شده است؛ به همین دلیل برخی اندرزنامه‌نویسی را ادامه آیین‌های کشورداری و تلاشی برای حفظ استقلال ایران از تسلط فکری اعراب دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳۱). برخی نیز این متون را بخشی از قلمرو فراخ فقه و حکمت عملی به شمار آورده‌اند (فیرحی، ۱۳۷۸: ۵۷).

در ورای این اختلاف‌نظرها، سرچشمه‌های این متون به دوران ایران باستان بازمی‌گردد. از روزگار باستان تا عهد قاجاران، ادب اندرزنامه‌نویسی با وجود فراز و فرودهای آن، تحولات صوری و محتوایی استمرار پیدا کرد. در جریان استمرار این متون در دوره اسلامی، اندیشه‌های سیاسی ایران باستان و ادبیات حکمی پهلوی، به‌ویژه اندیشه ایرانشهری به دوران اسلامی راه یافت. در راهیابی این اندیشه‌ها به دوران اسلامی، تحت تأثیر عوامل گوناگون و اقتضائات زمانه، برخی مفاهیم دچار تغییر و بازتعریف شد. تغییر و تفسیر و بازتعریف مفاهیم اندرزنامه، بسترساز تداوم آنها شد. واکاوی سیر تطور اندرزنامه‌نویسی در ایران و دلایل تداوم آن از جنبه‌های گوناگون، به‌ویژه از منظر مطالعات تاریخ سیاسی و سیر تحولات اندیشه‌های سیاسی در تاریخ ایران حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت این‌گونه مطالعات، در مقاله پیش رو تلاش شده است به واکاوی علل استمرار سنت اندرزنامه‌نویسی در دوره قاجار و تبیین نمودهای تحول در این متون پرداخته شود. بر این اساس، نگارندگان پژوهش حاضر با اتکا به روش توصیفی- تحلیلی درصدد پاسخگویی به سؤالات ذیل بوده‌اند:

ـ چه عللی در تداوم سنت اندرزنامه‌نویسی در دوره قاجاریه دخیل بوده است؟

ـ در روند استمرار اندرزنامه‌نویسی، چه تحولاتی در این متون راه یافت؟

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

دربارهٔ پیشینه تحقیق باید گفت در مقاله‌های «اندرزنامه‌نویسی سیاسی در عصر ایلخانی» نوشتهٔ محبوبه شرفی، «قابوسنامه عنصرالمعالی و جریان اندرزنامه‌نویسی سیاسی در ایران دوران اسلامی» از فریدون اللهیاری و «بررسی روش‌شناسی بنیادین سیاست‌نویسی در دوره میانه» نوشتهٔ سعید مقدم، به سنت اندرزنامه‌نویسی در دوره ایران اسلامی اشاره شده است. وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های نام‌برده در مقطع زمانی مورد مطالعه است. دربارهٔ اندرزنامه‌های دوره قاجار تنها یک مقاله با عنوان «پندنامه یحیویه؛ دریچه‌ای به افکار و اندیشه‌های امیر نظام گروسی» از عباس قدیمی قیداری و مرتضی خسروپناه وجود دارد. تمرکز این پژوهش بر یک اندرزنامه قرار گرفته و تفاوت مقاله حاضر با این پژوهش در گستره مطالعاتی و رویکرد تحلیلی آن است.

ویژگی‌های ساختاری و محتوایی اندرزنامه‌های سیاسی دوره قاجار

اندرزنامه‌نویسی در ادبیات و تاریخ فرهنگ ایران سابقه‌ای دیرینه دارد. در میان ادوار باستانی ایران، عصر ساسانی در بردارندهٔ آثار و پندهای بسیاری منسوب به بزرگان و رجال دینی و سیاسی این دوره است. در دوره اسلامی، ادبیات ایران باستان با ادبیات اسلامی در هم آمیخت (شرفی، ۱۳۹۰: ۹۵) و سنت نگارش اندرزنامه‌ها تا عصر مشروطه تداوم یافت. اندرزنامه‌های دوره قاجار را از نظر ساختاری و محتوایی می‌توان در چند دسته طبقه‌بندی کرد. نخست، متونی که نشان دهندهٔ تأثیر اندیشهٔ پیشینیان است. این اندرزنامه‌ها از نظر ساختاری، محتوایی، منطق گفتار و چگونگی استدلال تابع سیاست‌نامه‌های گذشته‌اند. در این زمینه می‌توان رسالهٔ *تحفه خاقانیه* نوشته نظام‌العلمای تبریزی را مثال زد. نظام‌العلما از عبارات آغازین و تحمیدیه رسالهٔ خویش تا پایان، پایبندی به آیین اندرزنامه‌های پیشین و اندیشهٔ ظل‌اللهی سلطان را (که بازتعریف اندیشهٔ ایرانشهری در دوره اسلامی است) نشان داده است. استناد مکرر به آیات و روایات در تبیین شئون ظل‌اللهی سلطان از شاخصه‌های این اثر و نوعی وام‌گیری از سیاست‌نامه‌های کهن به شمار می‌آید. براساس اظهارات نظام‌العلما، «انتظام عاش و معاد رعیت» به «ادای حقوق پادشاهان» و اطاعت از آنها وابسته است. از این رو، نویسندهٔ *تحفه خاقانیه* وجود پادشاه ستمکار در چهل روز را بهتر از

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

رعیتی مهمل و سرخود در یک ساعت از روز دانسته است. وی با تکیه بر شواهد نقلی، قیام به طاعات و عبادات، تصحیح معاملات و بقای تمدن و انتظامات را به وجود «سلاطین با تمکین» پیوند داده است (نظام العلما تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۷۰/۴–۱۷۱). نظام‌العلما همچنین «تیغ سیاست سلطان» را برای جلوگیری از ویرانی بنیان ملک ضروری می‌دانست (همان، ۱۸۹/۴).

اندرزنامه دیگری که به لحاظ سبک در این دستهٔ نخست جای می‌گیرد، *رساله در وجوب دعای شاه* تألیف ذوالریاستین شاگرد حاج ملا هادی سبزواری است. در این رساله کاربرد صفات، مدایح، استناد به آیات و روایات، برای اثبات قداست مقام سلطان و توجیه شرعی اقدامات و پاسخ به شبهاتی است که در مورد عملکرد ناصرالدین‌شاه مطرح شده است (ذوالریاستین، ۱۳۹۵: ۲۵۷/۴، ۲۶۳). این اندرزنامه‌نویس بر مشعوف و مسرور بودن «قلب مبارک سلطان» تأکید کرده و ثمرات این شعف و سرور را «انتظام امورات مردم» دانسته است. به باور ذوالریاستین، شوکت شاه در مجالس مهمانی و عیش و تفرج رفتن با ندیمه‌ها و عشق‌ورزی به معشوقه‌ها، برای رفع خیالاتی است که اگر در رفع آن چاره‌ای نشود، امور سلطنتی مختل می‌ماند (همان، ۲۶۴/۴). در خاتمه رساله و پس از بیان این توجیهات و به قول نویسنده «اجتهاد خود»، وی بر وجوب دعا برای پادشاه تأکید ورزیده و به بدگویان پادشاه هشدار داده است که اگر قوت داشته باشد، آن بدگویان را تنبیه خواهد کرد (همان، ۲۶۵/۴).

دستهٔ دوم اندرزنامه‌های دوره قاجار آثاری‌اند که ضمن حفظ برخی ساختارها تحت تأثیر اندیشه‌های نوگرایانهٔ آن روزگار، مفاهیم جدیدی را نیز در خود جای داده‌اند. نمونه‌ای از این دسته دوم *رساله در اصلاح امور* به قلم «خان خانان» است. نویسنده ضمن حفظ ساختارها و شاکلهٔ اندرزنامه‌های کهن و حتی کاربرد برخی واژه‌ها و عبارات رایج در اندرزنامه‌های پیشین نظیر «سایه یزدان» و «چوپان اقبال برای رمه پریشان» (خان خانان، ۱۳۹۵: ۲۷۱/۴)، از «سیاحت در اقطار فرنگ» و مفاهیمی نو سخن گفته است. نویسنده در تبیین انواع سلطنت، به برتری سلطنت معتدله در ممالک اروپا اشاره کرده و نظام جمهوری را مورد انتقاد قرار داده است (همان، ۲۷۵/۴). گفتار خان خانان با تشریح مفهوم آزادی و تمایز آن با هرج‌ومرج از طریق استناد به فرمان علی(ع) به مالک اشتر و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

حفظ حقوق دیگران خاتمه می‌یابد (همان، ۲۷۸/۴).

براساس این شواهد می‌توان دریافت که اگرچه مفاهیم نو به ساختار اندرزنامه‌های سیاسی دوران قاجار راه یافته، اما در سطوح ادبی و شیوه استدلال، استمرار سنت اندرزنامه‌نویسان گذشته نمایان است. مهم‌ترین مضامین و مباحثی که با تأثیرپذیری و الگوگیری از اندرزنامه‌نویسی سنتی به اندرزنامه‌های سیاسی قاجار راه یافته، در ذیل بیان شده است:

ـ ویژگی‌های سلطان و شئون سلطنت، نظیر فرهمندی (وجه کاریزمایی سلطان) (دماوندی، ۱۳۹۵: ۵۴/۲)؛ تسلط بر شریعت (کشفی، ۱۳۸۶: ۲۳۸/۱)؛ حیا (مروزی، ۱۳۹۵: ۱۱۹/۱)؛ ادب (همان، ۱۲۲)؛ سخاوت (همان، ۱۲۹)؛ شجاعت (همان، ۱۳۳)؛ حلم (همان، ۱۳۸)؛ عفو (همان، ۱۴۰)؛ عزم راسخ (کشفی، ۱۳۸۶: ۱۸۰/۱)؛ آگاهی از علم سیاسات مدن (آقاسی، ۱۳۸۶: ۴۸۳/۱).

ـ وظایف سلطان: دین‌مداری (مروزی، ۱۳۸۶: ۱۰۵/۱؛ استخدام جاسوسانی هوشیار و راست‌گفتار (همان، ۳۰)؛ مشورت کردن با اصحاب حلّ و عقد و با علم و بصیرت (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۲۰۶/۳–۲۰۷؛ کرمانشاهی، ۱۳۹۵: ۲۸۰/۳)؛ برقرار کردن عدالت (مروزی، ۱۳۹۵، ۱۲۶/۱؛ روح الاسلام و صراط المستقیم علی الانام، ۱۳۹۵: ۳۷۶/۲)؛ توجه به سپاهیان (آقاسی، ۱۳۸۶: ۴۸۵/۱)؛ استخدام کارگزاران کاردان (همان، ۴۸۴).

ـ راه‌های خلل در سلطنت؛ مانند عدم نظارت بر عملکرد سپاهیان (مازندرانی، ۱۳۸۶: ۶۵۳/۱)؛ تکبر و خودبینی سلطان (کشفی، ۱۳۸۶: ۱۸۳/۱)؛ عشرت‌طلبی (همان، ۲۴۵)؛ بی‌نظمی دستگاه دیوان (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۱۴۹/۳)؛ دخالت حرم‌خانه در امور مملکتی (ملکم‌خان، ۱۳۹۵: ۱۹/۳)؛ ظلم سلطان (سپهر، ۱۳۹۵: ۳۷۳/۴)؛ اختلاف در دین (ذوفنون، ۱۳۹۵: ۹۸/۳).

علل تداوم سنت اندرزنامه‌نویسی در دوره قاجار

در واکاوی دلایل استمرار این قالب در عصر قاجاریه می‌توان دو دسته عوامل (ریشه‌ای و آنی) را مدّ نظر قرار داد. منظور از علل ریشه‌ای، عواملی است که به‌طور کلی دلایل تأثیرگذار در دوران ایران اسلامی و نه فقط عصر قاجار را نشان

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

می‌دهد؛ و علل آنی نیز به مسائلی می‌پردازد که به‌طور خاص سبب‌ساز استمرار این‌گونه متون در روزگار قاجار شده‌اند. از جمله علل ریشه‌ای تداوم سنت اندرزنامه‌نویسی می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

ـ **نیاز شاهان به آموزش سیاسی:** پیدایش اندرزنامه‌های سیاسی را می‌توان ناشی از نیاز سلاطین به فراگیری اصول و قواعد کشورداری دانست. این اصول و دانش آن نزد دیوانیان و وزیران خردمند ایرانی به صورت سنتی محفوظ مانده بود. در تاریخ ایران بعد از اسلام، به سبب فقدان شاهان ایرانی و خلأ تربیت شاهانه مطابق با رسوم دربارهای ایرانی، نیاز به یادگیری قواعد کشورداری پدیدار شد (فرزانه‌پور، عباسی و نوروزی، ۱۳۹۵: ۹۵). این احساس نیاز را می‌توان از مقدمهٔ خواجه نظام‌الملک طوسی در *سیاست‌نامه* درک کرد. «... کدام شغل است که پیش از این پادشاهان شرایط آن بجای می‌آورده‌اند و ما تدارک آن نمی‌کنیم و نیز هر چه از آیین و رسم ملک و ملوک است و در روزگار گذشته بوده است از ملوک سلجوق بیندیشید و روشن بنویسید...» (طوسی، ۱۳۷۸: ۳-۴). خواجه نظام‌الملک در ادامهٔ این سخنان، به فواید کتاب خود اشاره کرده و آگاهی از آن را برای پادشاهان ضروری دانسته است: «... هیچ پادشاه و صاحب فرمانی را از داشتن و دانستن این کتاب چاره نیست خاصه در این روزگار که هر چند بیشتر خوانند ایشان را در کارهای دینی و دنیاوی بیداری بیشتر افزایند... و روش کارها و راه تدبیرهای صواب برایشان گشاده شود و قاعده درگاه و بارگاه و دیوان مجلس و میدان اموال و معاملات و احوال لشکر و رعیت برایشان روشن شود» (همان، همان‌جا).

این نیاز به آموزش پیامد دیگری را با خود دارد و آن اینکه دیگر مانند دوران پیش از اسلام، شاهان نماد اخلاق، دین و عدل و دیگر خصوصیات شهریار آرمانی به شمار نمی‌آمدند؛ به همین دلیل در جایگاه اندرز دادن نبودند، بلکه در جایگاه اندرزپذیری قرار داشتند (فرزانه‌پور، عباسی و نوروزی، ۱۳۹۵: ۹۶).

ـ **نیاز شاهان به آموزش دینی:** در دوران پس از اسلام، پادشاهان دیگر نماد خرد و سیاست و دین‌مداری نبودند، بلکه به نماد قدرت و ظلم عنان‌گسیخته تبدیل شدند؛ زیرا بسیاری از پادشاهان ترک و مغول بعدها به اسلام گرویدند و به همین دلیل

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

پادشاه از اغلب رعایای خود از درجه پایین‌تری در دینداری برخوردار و از این رو، به آموزش‌های دینی نیازمند بود (همان، ۹۸).

ـ **فقدان قواعد کشورداری:** فقدان اصول و قواعد کشورداری سبب وام‌گیری از ادبیات اندرزی ایران باستان شد. با وجود عدم هماهنگی برخی درون‌مایه‌های ادبیات اندرزنامه‌ای دوران باستان با دوران اسلامی، این تداوم همچنان تا روزگار مشروطه تداوم یافت. آنچه بسترساز این تداوم با وجود برخی ناهماهنگی‌های فرهنگی شد، گزینشی بودن مواد اقتباسی از اندرزنامه‌های پیشااسلامی و بازسازی آن است (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۶-۷؛ به نقل از: نوروزی و دولت‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

ـ **تداول نقل قول‌های پیشااسلامی ایران بعد از اسلام:** در متون ایران اسلامی به آثار و اقوال پیش از اسلام بارها استناد شده است. این امر به‌ویژه در متون تاریخی، اخلاقی و سیاسی بسیار چشمگیر است. حکما و وزرای ایرانی اغلب به نقل قول‌های این منابع استناد کرده و از آنها بهره برده‌اند. برای نمونه، عنصرالمعالی در مقدمه *قابوس‌نامه* از استنادات خود به اقوال انوشیروان این‌گونه سخن‌ها گفته است: «از قول نوشین‌روان عادل ملک ملوک عجم اندر این کتاب یاد کردم تا تو نیز بخوانی و بدانی و یادگیری و کاربند باشی و کاربستن این سخن‌ها و پند آن پادشاه ما را واجب‌تر باشد که ما از تخمه ملوکیم» (عنصرالمعالی، ۱۳۴۲: ۳۴).

در جای دیگر از *قابوس‌نامه*، عنصرالمعالی توصیه کرده است که این سخنان و پندها را نباید خوار شمرد؛ زیرا این اقوال نیز سخنان حکما و سخن پادشاهان را دربردارد (همان، ۳۹). در اظهارات عنصرالمعالی به دو عامل در تداوم سنت اندرزنامه‌نویسی اشاره شده و آن، صبغهٔ حکمت‌آموزی اندرزنامه‌ها و همچنین صبغه سیاسی و پیوند آن با ملک‌داری است. به نظر می‌رسد ویژگی‌های گفته‌شده تأثیر مهمی در شهرت و رواج و ترجمهٔ خدای‌نامه‌ها از دوران باستان به دوران اسلامی داشته است. خدای‌نامه‌ها که خود شاخه‌ای از ادب سیاسی به شمار می‌آیند، مجموعه‌ای از خردورزی‌های سیاسی ایرانیان و تجارب کشورداری و فرمانروایی سلاطین و دولت‌مداری وزیران و رجال سیاسی است که به نوبه خود شاخه‌ای از درخت تنومند خرد، حکمت و اخلاق ایرانی به شمار می‌روند (فرزانه‌پور، عباسی و نوروزی، ۱۳۹۵:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

۷۹). همین ویژگی‌ها و غنای محتوایی این متون و نیاز زمامداران در دوران اسلامی به این‌گونه متون، رمز تداوم و بقای ادب اندرزنامه‌نویسی پس از اسلام و به‌ویژه در روزگار قاجار بوده است. در اندرزنامه‌های دوره قاجار نیز می‌توان نشانه‌هایی از استناد به اقوال حکما و اشاره به سلوک سیاسی انوشیروان را یافت. برای نمونه، ملک المورخین در سیاست‌نامه خویش بهترین شیوهٔ مالیات گرفتن را عشریه عنوان کرده و این روش مالیات‌گیری را شیوه انوشیروان عادل دانسته است (ملک‌المورخین، ۱۳۹۵: ۴۱۳/۴). سپهر نیز در آغاز رسالهٔ *سلوک و ملوک مظفری* به بهره‌گیری خویش از اقوال حکمای باستان اشاره کرده است. وی در قسمتی از رساله خویش با استناد به سخن «پادشاه دادگر انوشیروان»، مدار سلطنت را بر پنج امر به این شرح استوار دانسته است: «اول حفظ و حراست مملکت، دوم پیروی از شریعت، سیم نیکان را نیک داشتن، چهارم بدان را سزای بد دادن، پنجم لطف و عنف را به جای خود به کار بستن» (سپهر، ۱۳۹۵: ۳۷۷/۴).

ـ ارتباط دین و سیاست در دوران اسلامی: پیوند دین و سیاست در اندیشه‌های ایران باستانی است و در تعالیم زرتشت نیز –که بخشی از اصول اندیشه ایرانشهری از زبان اوست– بر وحدت دو حوزه دین و سیاست تأکید شده است. اندیشهٔ ایرانشهری همواره قدرت شهریار را برتر از همگان قرار داده است. این اصل در عرصه نظری به معنای خودکامگی و اعمال قدرت سیاسی در جهت اهداف شخصی نبوده است. در دوره اسلامی، اندیشه پیوند دین و سیاست تداوم پیدا کرد. تأکید بر تفوق قدرت سلطان، از محورهای اصلی اندیشهٔ اندرزنامه‌نویسان و استمرار بخش مهمی از میراث اندیشهٔ ایرانشهری است. سخنان خواجه نظام‌الملک نیز بر این امر صحه می‌گذارد (طوسی، ۱۳۷۸: ۸۰). خواجه در *سیاست‌نامه* ضمن تعدیل اندیشه ایرانشهری که شاه را از نژاد برتر و خمیرمایهٔ او را از جهان الوهی می‌دانست، برتری شهریار را فقط به توان او در اجرا و اعمال تصمیمات حکومتی منحصر کرده است. اینکه خواجه در *سیاست‌نامه* اصطلاح «فرمان‌روا» را به عنوان عامل تمایزی میان پادشاه و دیگر مقطعان و مردمان دانسته (همان، ۱۱)، حاکی از آن است که مؤلف *سیاست‌نامه* تفاوت بین شهریار و سایر مردم را به چگونگی کارکردها مربوط دانسته و نظریهٔ برتری نژادی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

شهریاران را به نظریه‌ای کارکردی تنزل داده است. در اندیشه خواجه نظام‌الملک، توجیه سلطنت مطلقه و تکوین نظام سیاسی متمرکز به عنوان یک اصل محوری مطرح شده است و خواجه به دلیل تأکید بر این اصل محوری، سایر وجوه و ابعاد اندیشهٔ ایرانشهری را به دست فراموشی سپرده است (فرزانه‌پور، عباسی و نوروزی، ۱۳۹۵: ۱۷۱). مبانی فکری خواجه نظام‌الملک در *سیاست‌نامه* که تلفیقی از تجارب سیاسی او و برداشت وی از اندیشهٔ سیاسی ایرانشهری است، به تدوین نظریهٔ سلطنت مطلقه و نظام سیاسی متمرکزی منجر شد که نزدیک به هزار سال، یعنی تا زمان فراهم آمدن مقدمات مشروطه‌خواهی در ایران، شالودهٔ نظریه حکومت در ایران به شمار می‌آمد (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶۱).

در روزگار قاجاران با وجود فراز و فرودهای مناسبات دین و دولت،[۱] این اندیشه ادامهٔ حیات داد. در پرتو این مناسبات در دوران فتحعلی‌شاه، میرزا ابوالقاسم قمی در اندرزنامه خویش *ارشادنامه* شاه را «السلطان ظل‌الله فی الارض» خطاب کرده است (الگار، ۱۳۶۹: ۱۰۲). نمود بارز این پیوند را در اندرزنامهٔ *تحفه خاقانیه* و عبارت «الملک و الدین توأمان» می‌توان یافت (تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۶۶/۴). در دوره قاجار تبعیت از الگوی شاه–وزیر که خواجه نظام‌الملک پایه‌گذار آن بود، به صورت ویژه‌ای در دوران سلطنت محمدشاه (دوران قائم‌مقام) و ناصرالدین‌شاه دیده می‌شود. در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه به‌ویژه در دوران صدارت امیرکبیر و سپهسالار، اندیشهٔ ایرانشهری البته در قالب تعدیل شدهٔ آن (الگوی خواجه نظام‌الملک) که تمایز سلطان را در وجوه کارکردی او جست‌وجو می‌کرد، ادامه یافت. گفتنی است تداوم نظریهٔ اندیشه ایرانشهری آن هم مدل خواجه نظام‌الملکی آن، فقط در ساحت عمل و سیاست‌های صدراعظم‌ها استمرار پیدا نکرد، بلکه در محتوای سیاست‌های این دوره نیز می‌توان این تداوم را به روشنی دید.

علاوه بر عوامل گفته‌شده، برخی علل آنی هم –که نشأت گرفته از شرایط زمانه و تحولات آن دوران بوده– در استمرار اندرزنامه‌نویسی در دوره قاجار مؤثر بوده است.

---

۱ در زمینه مناسبات دین و دولت ببینید: حامد الگار (۱۳۶۹)، *دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجار*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران: توس.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

در این زمینه می‌توان علل زیر را برشمرد:

- اهمیت تمرکزگرایی در خط مشی سیاسی دولتمردان اصلاح‌طلب: یکی از آسیب‌های سیاسی- اجتماعی دوره قاجاریه، فقدان تمرکز سیاسی و چندگانگی منابع قدرت بوده است. این آسیب را می‌توان از عنوان «ممالک محروسه ایران» دریافت. صدراعظم‌های اصلاح‌طلب و نوگرای دوره قاجار، نظیر امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار تلاشی جدی را در راستای تمرکزگرایی و اقتدار دولت مرکزی انجام دادند (ر.ک. به: آدمیت، ۱۳۴۸؛ همو، ۱۳۵۶). پیامدهای عدم تمرکز دولت، در بلواها و شورش‌های دوران قاجار و سرکشی‌های حکام ایالات، به‌ویژه در هنگامهٔ بحران جانشینی به خوبی دیده می‌شود.

با توجه به آنچه که گفته شد، ادب اندرزنامه‌نویسی به‌ویژه آثاری چون *سیاست‌نامه* خواجه نظام‌الملک که در آن راهکارهای اقتدار حکومت و تمرکزگرایی تبیین شده بود، می‌توانست راه خود را برای تداوم در دوره قاجار پیدا کند. پیروان الگوی تمرکزگرایی در دوره قاجار، *سیاست‌نامه* خواجه نظام‌الملک و روش او را الگویی مناسب می‌دانستند. خواجه کوشیده بود با تکیه بر نگرش ایرانیان به امر سلطنت، جایگاه شاه سلجوقی را فراتر از جایگاه فرماندهی سران قبایل ترک، به مقام سلطانی فرهمند و بااقتدار تغییر دهد (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۰۳). نظام‌الملک با رواج این اندیشه که به تکوین یک حکومت مرکزی مقتدر منجر می‌شد، تلاش کرد از نابسامانی‌های ناشی از قدرت نامتمرکز جلوگیری کند (استاجی، صادقی‌منش و قادری سهی، ۱۳۹۶: ۲۶).

ـ ظرفیت قالب اندرزنامه‌نویسی: اندرزنامه‌نویسان قاجاری اعم از وفاداران به اسلوب و مضمون اندرزنامه‌های سنتی، نظیر نظام‌العلمای تبریزی و ذوالریاستین و اندرزنامه‌نویسان نوگرا چون خان خانان و حسین‌بن محمود الموسوی، همگی قالب اندرزنامه‌نویسی را برای تبیین اهداف و ایده‌هایشان مناسب تشخیص داده بودند. استمرار این قالب به معنای حفظ همهٔ موازین اندرزنامه‌های کهن نبوده است؛ بنابراین نمی‌توان وجود واژه‌هایی چون برادری، توأمانی دین و دولت، عدالت و نظم در اندرزنامه‌های پیشین و اندرزنامه‌های قاجاری را مفاهیمی همسان به شمار

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

آورد. این واژه‌ها به اقتضای شرایط زمانه، ترجمهٔ کتب حقوقی و سیاسی به‌ویژه ترجمهٔ قانون‌های اساسی سایر دول و انتشار آثار و ایده‌های روشنفکری تحول پیدا کرد. در نتیجهٔ این تحول، مقوله‌های چالشی نظیر مساوات و آزادی به ساحت اندرزنامه‌های سیاسی راه یافت.

در همین راستا باید از نویسندهٔ *میزان الملوک* یاد کرد که با طرح مقولهٔ چالشی «مساوات» و بیان این ادعا که اجرای عدل ربطی به دینداری ندارد، اعتقاد خویش به عدالت عرفی را آشکار ساخت. جرئت این اندرزنامه‌نویس تا بدان حد است که انحصار مقام ظل‌اللهی را به چالش کشیده و همه موجودات حتی ماه و خورشید و ستارگان را برخوردار از شأن ظل‌اللهی دانسته است (کشفی دارابی، ۱۳۹۵: ۱۰۰/۲-۱۰۱). در مجموع، می‌توان گفت اندرزنامه‌نویسان قاجاری از طریق بازتعریف و تفسیر مفاهیم کهن و ورود مقوله‌های نو و چالشی، در روند استمرار این ژانر ایفای نقش کردند.

نمودهای تحول اندرزنامه‌نویسی سیاسی در عصر قاجاریه

تحت تأثیر شرایط زمانه و ورود اندیشه‌های نوگرایانه، انتقاد که به عنوان بارزترین ویژگی نثر فارسی در این دوران شناخته می‌شد (جهانگرد، ۱۳۹۰: ۶۴)، به اندرنامه‌های قاجاری راه پیدا کرد و نقد نظم سیاسی- اجتماعی موجود، در کنار مقایسهٔ وضعیت ایران با دول اروپایی، به یکی از مضامین اندرنامه‌ها تبدیل شد. مباحثی چون قانون‌مداری، تشکیل نهادهای نو نظیر مجلس، بهداشت و سلامت، تشکیل کمپانی‌ها و شرکت‌های تجاری، تأسیس بیمه، حفاظت از محیط زیست و صنعت و تجارت، از مفاهیم جدید راه‌یافته به اندرزنامه‌های این دوران بوده است. در ادامه با آوردن شواهدی از اندرزنامه‌ها، نمودهای تحول به شیوه مصداقی مطرح شده است.

- **نقد سلطان:** برخی اندرزنامه‌نویسان انتقادات خود را نسبت به سلطان در یک گفت‌وگوی خیالی بیان می‌کردند؛ چنان‌که رستم‌الحکما در گفت‌وگو با سلطان، عقل کامل، از این مسئله شکایت داشته که اگر در عین ارادت و اخلاص و دور از ریا، مطلبی را بیان کند، از رنجش خاطر سلطان می‌ترسد «زیرا که گفته‌اند الحق مرّ»

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

(رستم‌الحکما، ۱۳۸۶: ۳۴۲/۱). با این حال، او بدون اشاره به نـام سـلطان وقـت، بـر او خرده گرفته است که عمر را به بوالهوسـی و پیـروی از شـهوات جسـمانی و شـیطانی گذرانده و سلطان را اندرز می‌دهد که در باقیماندهٔ عمـر بـه امـور حقـانی و رحمـانی بپردازد (همان، ۳۴۹–۳۵۰). رستم‌الحکما عملکرد مطلـوب پادشـاه خـوب را در گـرو عدم متابعت از نفس، مشورت با عقلا، برپایی عدل و حسن سیاست در امـور رعیـت و مملکت می‌دانست (همان،۳۶۳).

میرزا سعیدخان انصاری در رسالهٔ *قانون ناصری* ضمن اذعان به تمایز وجود پادشـاه نسبت به سایر مردم و تذکر شئون ظل‌اللهی سلطان، بر پاکی و بـی‌غـش بـودن سـاحت پادشاهی و انصراف خاطر وی از کامروایی و اهتمام بـه انتظـام امـور دولتـی و تمهیـد اسباب ترقی مملکت تأکید ورزیده است. انصاری ضمن رعایت جانـب احتیـاط آرزو کرده است که کاش سلطان با بذل همت و وقت، امور سلطنت را به گونـه‌ای رهبـری کند که ثمرات و فواید بیشتری از آن عاید شود (انصاری، ۱۳۹۵: ۳۵۰/۳– ۳۵۲).

ملکم نیز با اشاره به کشـته شـدن امیرکبیـر، وزیرکشـی را عـادت شـاهان قاجـار دانسته، بر مرگ امیر تأسف خـورده اسـت. او ایـن اقـدام را ناشـی از هـوی و هـوس جاهلانهٔ پادشاه جوان و میل خاطر رأی بانوان حرم می‌دانست (ملکم، ۱۳۹۵: ۱۸/۳).

ـ نقد دولتمردان قاجاری: از جمله دولتمردانی که مـورد انتقـاد اندرزنامـه‌نویسـان قرار گرفته بودند، میرزا آقاخان نوری و حاج‌میرزا آقاسی می‌باشند. ذوالفنون در قالـب حکایت پادشاه نیمروز، به ماجرای مراجعت میرزا آقاخان نوری به دربار و برکشیدن او توسط امیرکبیر اشاره کرده و از دسیسه‌چینی نوری برای قتل امیر سخن گفته اسـت (ذوالفنـون، ۱۳۹۵: ۶۹/۳–۷۰). ملکـم‌خـان نیـز میـرزا آقاخـان نـوری را «پسـرکی طبع‌پرست، به صورت یگانه و به سیرت بیگانه» خوانده که «نه از شرع شریف شرمی و نه از مردان مرد، آزرمی داشت. ریشه حرص در اعماق زمین ایران بدوانید... جـواهر (و نقود) ایران را به فریب و فسون فراهم آورده ... تمام حـواس خمسـه آن پیرگـرگ همین بود که صدارت ایـران پشـت بـر پشـت در خـانواده نـوری‌هـا برقـرار بمانـد» (ملکم‌خان، ۱۳۹۵: ۱۷/۳–۱۸).

او در ادامه بر اقدامات حاج‌میرزا آقاسی خرده گرفته و اظهار تاسف کرده کـه

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

در عهد صدارت وی ناموس مملکت و خزانهٔ سلطنت در دست ترک‌ها قرار گرفت و به سبب سوء تدبیر این وزیر نادان و ناهمسانی دخل و خرج، بنیاد مملکت روی به انهدام نهاد (همان، ۲۵).

ذوالفنون در دو مقطع اقدامات ملکم را مورد شماتت قرار داده است. یک بار هنگام انعقاد عهدنامهٔ پاریس که او و امین‌الدوله را متهم به أخذ رشوه از بریتانیایی‌ها کرده و بار دیگر برای تأسیس فراموشخانه (ذوالفنون، ۱۳۹۵: ۹۱/۳-۹۲).

ابوطالب بهبهانی با شکایت از عدم اعتبار پول ایران در ممالک خارجه و بها ندادن به قول و فعل اتباع ایرانی، دلیل این امر را در ضعف و تنزل دولت و عملکرد دولتمردان دانسته و به همین دلیل از دولتیان خواسته که در سیاست و شیوهٔ حکمرانی خود تغییر رویه دهند (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۱۴۷/۳).

ـ **اهتمام دولت در امر صنعت، تجارت و زراعت:** ثروت و مکنت یک کشور وابسته به وضعیت زراعت، تجارت و صنعت آن است و هر یک از وزارتخانه‌ها موظف به تأمین مایحتاج فعالان این حوزه و رفع موانع موجود می‌باشند. زمانی که دسترنج مردم با علم و فکر همراه شود، حاصل آن نیز دوچندان خواهد شد. تشکیل کمپانی‌های تجاری و کارخانه‌های صنعتی منافع بسیار برای مملکت و رعیت دارد؛ پس می‌باید که دولت با کسب نظر مساعد علما و حمایت سرمایه‌داران به ترویج این امر اهتمام ورزد (قاجار، ۱۳۹۵: ۱۵۰/۴).

ـ **حمایت از کالای داخلی:** ملک المورخین در لزوم توجه به این مسئله نوشته است: «مملکت ایران بحمدالله تمام مایحتاج و لباس مردم را دارد، از قبیل برک و آقری و شال ترمه و سلسله و شال شیرازی ... و قلمکار ... و قالی و قالیچه ... و توپ و تفنگ ... و غیره که به هیچ وجه محتاج به آوردن امتعه از خارج نیست ... وقتی که مردم پیکر مبارک (سلطان) را زیارت نمایند که به پارچه ایرانی ملبس است، وزراء عظام هم تأسی خواهند کرد و سایرین هم به ایشان تأسی می‌کنند ... کم‌کم ترویج امتعه ایران می‌شود و دیگر پول به خارج نمی‌رود» (ملک المورخین، ۱۳۹۵: ۴۱۸/۴).

ـ **حفاظت از جنگل‌ها:** ملک‌المورخین با هشدار نسبت به از بین بردن جنگل‌ها نوشته است: «... خوب است قدغن شود آتش جنگل به کلی موقوف باشد و هر کس

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

درختی از آن جا می‌برد، برای سوختن و فروختن، فوراً به جای آن درخت دیگر بنشانند. در حقیقت برای هر جنگلی یک نفر ممیزی از دیوان لازم است که در آن جا بماند که ناظم این کار باشد و فایده کلی هم برای دولت پیدا می‌شود» (همان، ۴۲۵). این دقت نظر نویسنده در حفظ محیط زیست و راهکارهای وی از نکات نو و بدیع در این‌گونه متون است

ـ **تنظیم قیمت‌ها:** ملک‌المورخین از مغشوش بودن قیمت کالاها در ایران و خرابی و پریشانی زندگی مردم شکایت کرده و پیشنهاد داده است که قانونی تعیین شود که براساس آن نرخ کالاها در هر منطقه معین شود و به اندازه‌ای باشد که مردم از عهدهٔ پرداخت آن برآیند (همان، ۴۳۵).

ـ **حفظ وحدت:** هر ملتی که عداوت‌های شخصی را در کارهای عمومی به کناری نهاده و همچون اعضای بدن در کسب مراتب موفقیت و سرافرازی مملکت با یکدیگر همدست و متفق باشند، هیچ‌گاه مورد طعن و سرزنش دشمنان کشور قرار نمی‌گیرند (همان، ۴۳۵).

ـ **بهبود وضعیت بهداشت:** یکی از وظایف دولت فراهم کردن لوازم حفظ صحت رعیت است. آبله‌کوبی، جلوگیری از سرایت بیماری‌های واگیر، تحصیل آب سالم، استخدام پزشکان حاذق، استقرار عطار دواشناس، جلوگیری از مصرف مأکولات فاسد، آب‌پاشی خیابان‌ها و ترتیب باغات عمومی، از جمله اقداماتی است که می‌بایست در این راستا انجام شود (خان خانان، ۱۳۹۵: ۳۲۹/۴).

ـ **قانون‌مداری:** برخی اندرزنامه‌نویسان از قانون‌مداری مملکت فرنگستان تمجیده کرده، آن را برای برقراری نظم و ادارهٔ صحیح امور جامعه ضروری دانسته‌اند و بی‌قانونی را عامل پریشانی و هرج‌ومرج کشور معرفی کرده‌اند: «پس می‌باید که عقلای دولت و ملت دور هم جمع شده و قانون جدید، تدبیر و تمهید نمایند که ... موجب تأمین عامه و تأسیس عدل شود» (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۱۵۳/۳).

ـ **حمایت از مخترعان:** ابوطالب بهبهانی از دولت می‌خواست که برای ارباب فطانت و ذکاوت امتیازاتی را در نظر بگیرد تا بتوانند با اختراع یا اکتشافات خود به دولت و عامه مردم منفعت برسانند (همان، ۱۸۵).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

ـ **تأسیس انجمن بیمه:** نویسندهٔ *رساله در اصلاح امور* ضمن اشاره به مؤسسات موجود در فرنگ، از انجمن بیمه نیز نام برده و نوشته است: «مطابق دستورالعمل و تحت‌الحفظ دولت، به‌تدریج اقساط معینی که بر حسب التزام اداره متفاوتست، دریافت نموده، به موجب شروط مشخصه، در وجه مودیان اقساط، کارسازی» می‌کنند (خان خانان، ۱۳۹۵: ۳۴۳/۴).

ـ **تأسیس بانک:** خان خانان وجود بانک‌ها را به عنوان مرکزی برای معاملات اعتباری ادارات، أخذ وجه، دادوستد تجارتی و ارائهٔ تسهیلاتی در وصول و ایصال وجوه لازم می‌دانست. وی پس از بیان کارکرد بانک‌ها در جامعه، بر لزوم نظارت دولت بر معاملات بانک‌ها و در اختیار گرفتن اجازهٔ انتشار اسکناس تأکید کرده است (همان، ۳۴۴).

ـ **تقابل گفتمان سنتی رعیت- سلطان با گفتمان دولت- ملت:** در گفتمان سیاسی سنتی ایران که وجه غالب تفکر سیاسی قبل از شکل‌گیری مشروطه و رواج اندیشه‌های روشنفکران قاجاری بود، رعیت ناگزیر بود از سلطانی بی‌قید و شرط اطاعت کند. پس از رواج اندیشه‌های انتقادی و رواج مفاهیم جدید سیاسی توسط روشنفکران، تقابلی میان گفتمان کلاسیک و دوگانهٔ دولت- ملت پدید آمد (اکبری، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۵).

در نتیجهٔ رواج اندیشه‌های سیاسی جدید در عصر ناصری، به‌ویژه طرح رگه‌های نخستین حقوق شهروندی در این دوره و افزایش آگاهی‌های سیاسی جامعه، گفتمان جدیدی در برابر گفتمان سنتی عرض اندام کرد. تقابل این دو گفتمان به خوبی تأثیر خود را در تحول مضمونی اندرزنامه‌های سیاسی به جا گذاشت و واژه‌هایی چون «ملت» به عنوان بدیل «رعیت» در گفتمان سنت..ی و حقوق جدیدی که از ملزومات گفتمان دولت- ملت بوده است، در این اندرزنامه‌ها پدیدار شد.

ـ **رشد عقلانیت و خردگرایی:** رشد عقلانیت و خردگرایی یکی از شالوده‌های مهم تجدد و نوگرایی است. عنصر عقلانیت به اندرزنامه‌های این دوره نیز راه پیدا کرد تا جایی که کشفی دارابی در اندرزنامه‌اش به ستایش عقل پرداخته و تشخیص حُسن و قبح اشیا را امری عقلانی دانسته است (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۳۲). با وجود مشرب

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

عرفانی کشفی، شیوهٔ استدلال وی در *میزان الملوک* به‌ویژه در مباحث مربوط به عدل و ظل‌اللهی احتجاج عقلانی است. کشفی در توصیه‌های خود مبنی بر خودداری از سپردن یک شغل به چند نفر دلایلی را اقامه کرده و نتایج و آسیب‌های ناشی از این اقدام را برشمرده است:

ـ محروم شدن مردمان باکفایت؛ که نتیجهٔ آن دشمنی محروم‌شدگان و آرزوی آنها برای تغییر و انقلاب است؛

ـ باقی نماندن کار و اشتغال برای دیگران؛

ـ عدم توانایی فرد در انجام تعهدات و مسئولیت‌های مربوط به چند شغل (همان، ۳۸).

رستم‌الحکما نیز در *داستان سؤال و جواب حکیمانه*، به هنگام تبیین رسوم سلطنت و بیان ویژگی‌های محتسب، صفت عقلانیت را بر سایر صفات، حتی بر متدین بودن او مقدم دانسته است (رستم‌الحکما، ۱۳۸۶: ۲۷۷).

نتیجه‌گیری

شواهد ارائه شده در این نوشتار نشان دهندهٔ استمرار اندرزنامه‌نویسی و کثرت نگارش این متون سیاسی در دوره قاجار است. مهم‌ترین دلایل تداوم این متون، نیاز شاهان به آموزش سیاسی و تجارب سیاسی گذشتگان، غنای محتوایی و مبانی خردورزانهٔ اندرزنامه‌های پیشین، میراث اندیشهٔ ایرانشهری بر تبیین مناسبات دین و دولت و وجود الگوهای تمرکزگرایانه و راهکارهای حفظ اقتدار حکومت است. در کنار این دلایل باید از ظرفیت قالب اندرزنامه‌نویسی و قابلیت آن برای پردازش مفاهیم جدید در حوزه‌های حقوق فردی، حقوق سیاسی و بیان تأسیسات اقتصادی جدید یاد کرد. ظرفیت این قالب نگارش به گونه‌ای بود که عنصر نقد نیز توفیق راهیابی به ساحت اندرزنامه‌های سیاسی قاجار را پیدا کرد. بدین ترتیب، در اندرزنامه‌های سیاسی عصر قاجاریه می‌توان استمرار سنت اندرزنامه‌نویسی و نمودهای تحول را یافت.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

منابع و مآخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۶)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)*، تهران: خوارزمی.
- ..... (۱۳۴۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرنشده دوران قاجار*، تهران: آگاه.
- آقاسی، عباس (۱۳۸۶)، «چهار فصل سلطانی»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۱، تهران: مؤسسهٔ تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- استاجی، ابراهیم، علی صادقی‌منش و هستی قادری سهی (تابستان ۱۳۹۶)، «تحلیل مناسک حافظ نظام اتوکراتیک در سیاست‌نامه نظام‌الملک طوسی با تمرکز بر آرای روان‌شناختی اریک برن»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، ش۴، صص۷-۲۹.
- اکبری، احمدرضا (۱۳۸۷)، «خواجه نظام‌الملک و فلسفه نگارش سیاست‌نامه»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش۹، صص۱۰۱-۱۰۳.
- اکبری، محمد علی(۱۳۸۴)، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول)*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الگار، حامد (۱۳۶۹)، *دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- انصاری، سعید (۱۳۹۵)، «قانون ناصری»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۳، تهران: نگارستان اندیشه.
- بهبهانی، ابوطالب (۱۳۹۵)، «منهاج العلی»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۳، تهران: نگارستان اندیشه.
- تبریزی، نظام‌العلما (۱۳۹۵)، «تحفه خاقانیه»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۴، تهران: نگارستان اندیشه.
- جهانگرد، فرانک (پاییز ۱۳۹۰)، «رویکرد انتقادی مبنای دگردیسی انواع نثر ادبی در عصر قاجار»، مجلهٔ *نقد ادبی*، ش ۱۵، صص۶۱-۸۶.
- خان خانان (۱۳۹۵)، «رساله در اصلاح امور»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۴، تهران: نگارستان اندیشه.
- دماوندی، محمدحسین (۱۳۹۵)، «تحفة الناصریه فی معرفة الالهیه»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۲، تهران: نگارستان اندیشه.
- ذوالریاستین، محمد (۱۳۹۵)، «رساله در وجوب دعای پادشاه»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، ج۴، تهران: نگارستان اندیشه.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

- ذوالفنون (۱۳۹۵)، «ادب وزراء»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۳، تهران: نگارستان اندیشه.
- رستم‌الحکما (۱۳۸۶)، «داستان سؤال و جواب حکیمانه»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۱، تهران: مؤسسهٔ تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- «روح الاسلام و صراط المستقیم علی الانام» (۱۳۹۵)، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۲، تهران: نگارستان اندیشه.
- سپهر، عباسقلی (۱۳۹۵)، «سلوک و ملوک مظفری»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۴، تهران: نگارستان اندیشه.
- شرفی، محبوبه (پاییز ۱۳۹۰)، «اندرزنامه‌نویسی سیاسی در عصر ایلخانی»، مطالعات تاریخ اسلام، ش۱۰، صص۹۳-۱۱۴.
- طباطبایی، جواد (۱۳۷۵)، *خواجه نظام‌الملک*، تهران: طرح نو.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۷)، *دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۷۸)، *سیر الملوک (سیاست‌نامه)*، به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانشاهی، محمدعلی (۱۳۹۵)، «احکام المدن»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۳، تهران: نگارستان اندیشه.
- کشفی دارابی، جعفر (۱۳۸۶)، «آثار عقل در سیاست مدن»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۱، تهران: مؤسسهٔ تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ..... (۱۳۹۵)، «میزان الملوک و الطوائف و صراط المستقیم فی سلوک الخلائف»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۲، تهران: نگارستان اندیشه.
- عنصرالمعالی، کیکاووس (۱۳۴۲)، *قابوس‌نامه*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: فروغی.
- فرزانه‌پور، حسین، حبیب‌الله عباسی و حامد نوروزی (۱۳۹۵)، «بررسی تحول نظریه سیاسی در ایران از دوره ساسانی تا حمله مغول (با تأکید بر سیاست‌نامه‌نویسی فارسی)»، طرح پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند.
- فیرحی، داوود (۱۳۷۸). *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران: نشر نی.
- قاجار، علی‌بخش (۱۳۹۵)، «میزان الملل»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۴، تهران: نگارستان اندیشه.
- مازندرانی، اسدالله (۱۳۸۶)، «خصایل الملوک»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۱، تهران: مؤسسهٔ تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ـ مروزی، محمدصادق (۱۳۸۶)، «تحفه عباسی»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]

غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۱، تهران: مؤسسهٔ تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- ..... (۱۳۹۵)، «شیم عباسی»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۱، تهران: نگارستان اندیشه.
- ملک‌المورخین (۱۳۹۵)، «قانون مظفری»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۴، تهران: نگارستان اندیشه.
- ملکم‌خان، ناظم‌الدوله (۱۳۹۵)، «شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران»، *سیاست‌نامه‌های قاجاری*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج۳، تهران: نگارستان اندیشه.
- نوروزی، حامد و الهام دولت‌آبادی (تابستان ۱۳۹۴)، «تداوم در جریان، تناقض در درون»، *نامه فرهنگستان*، ش۴، صص ۱۲۰–۱۳۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5]